



تنگ سفالی به شکل شکارچی
اسب‌سوار به همراه یوز، سرامیک،
ارتفاع: ۶/۲۷ سانتیمتر، محل ساخت:
احتمالاً ایران، قرن ششم ه. ق یا
اوایل قرن هفتم ه.ق، محل نگهداری:
موزه هنر متروپولیتن، مأخذ:
Ettinghausen, 1970: 126



ریشه‌ها و گونه‌ها در پیکره‌های انسانی قرون ۵ تا ۷ ه.ق ایران *

مهیار اسدی ** اصغر جوانی *** حسن بلخاری ****

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۵/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۲

صفحه ۱۲۷ تا ۱۴۳

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

از میان آثار سفالین سده‌های میانه اسلامی می‌توان به پیکره‌های انسانی با کارکردها و حالت‌های مختلف اشاره نمود. علاوه بر نمونه‌های سفالین، پیکره‌های گچی بسیاری نیز در ابعاد متنوع و بعضاً بزرگ به‌عنوان نقش برجسته‌های بیش‌برجسته از مناطق مختلف از جمله ری به‌دست‌آمده که از نظر میزان برجستگی می‌توان آن‌ها را مجسمه‌هایی خطاب کرد که از یک سو به دیوار چسبیده‌اند. این پیکره‌ها که تنها از برخی از آن‌ها در کتب نام برده شده و بیشتر آن‌ها در موزه‌های سراسر جهان جای گرفته‌اند، کمتر مورد مطالعه واقع شده و متأسفانه غیر ایرانیان بیشتر از پژوهشگران داخلی در مورد این آثار هنر ایران قلم زده‌اند. مقاله حاضر با هدف شناخت ریشه‌ها و گونه‌های این پیکره‌های انسانی قصد دارد تا ضمن معرفی این پیکره‌ها، دسته‌بندی مشخصی نیز برای شناخت آن ارائه کند. سؤال تحقیق بدین قرار است که پیکره‌های انسانی قرون ۵ تا ۷ ه.ق از نظر کاربرد، موضوع و مواد متشکله به چند گروه قابل تقسیم است و منشأ شکل‌گیری آن‌ها کدام است؟ روش تحقیق مورد استفاده توصیفی-تحلیلی بوده و اطلاعات از طریق مشاهدات میدانی و رجوع به منابع کتابخانه‌ای و تارنماهای معتبر گردآوری شده و نهایتاً با روی‌کردی کیفی تجزیه و تحلیل شده است. جامعه آماری تحقیق حاضر متشکل از پیکره‌های انسانی قرون ۵ تا ۷ ه.ق است که متأسفانه عدد دقیق آن مشخص نیست و نمونه‌های مورد مطالعه در این مقاله شامل ۲۵ عدد بوده که به شیوه در دسترس گزینش شده است. نتایج نشان دهنده دسته بندی هفت‌گانه‌ای شامل مردان سوار بر اسب، مردان نشسته، مردان ایستاده، مادر و نوزادها، نوازندگان، زنان درباری و سرده‌سازان و مردان پیشنهاد شد. دسته‌های مذکور از نظر کاربرد شامل پیکره‌های مستقل، ظروف پیکره‌گون و پیکره‌های وابسته به معماری هستند که به واسطه سفال لعاب‌دار، سنگ و گچ نقاشی شده تجسم یافته‌اند. ریشه‌های شرقی (ترکستان شرقی) و ایرانی (پارتی و ساسانی) در نوع ساخت پیکره‌های گچی و چهره‌پردازی ظروف سفالین پیکره‌گون مشهود است.

واژگان کلیدی

پیکره‌های انسانی، هنر سلجوقی، پیکره‌های سلجوقی، پیکره‌های سفالین، پیکره‌های سنگی، پیکره‌های گچی

* مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری نگارنده اول با عنوان «مبانی نظری هنر پیکره‌سازی در ایران قرون ۵ تا ۷ ه.ق (با تأکید بر رویکرد دین و دولت حاکم)» است که با راهنمایی نویسنده سوم و مشاوره نویسنده دوم به انجام رسیده است.

Email: mahyar.asadi@ut.ac.ir

** استادیار دانشکده هنرهای تجسمی، دانشکده‌گان هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران.

Email: a.javani@au.ac.ir

*** دانشیار دانشکده هنرهای تجسمی، دانشگاه هنر اصفهان، ایران (نویسنده مسئول)

Email: hasan.bolkhari@ut.ac.ir

**** استاد دانشکده هنرهای تجسمی، دانشکده‌گان هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران

مقدمه

پس از بر تخت نشستن طغرلیک در نیشابور (۴۲۹ ق) و به قدرت رسیدن ترکان سلجوقی در ایران، تحولاتی در عرصه هنر رخ داد که از آن با عنوان یکی از اوج‌های درخشان هنر ایران نام برده می‌شود. سفالگری و حوزہ‌های وابسته به آن نیز تحت تأثیر این تحولات تغییرات شگرف و منحصر به فردی را تجربه می‌کند. از میان آثار سفالین قرون ۵ تا ۷ ه.ق می‌توان به پیکره‌های سفالینی اشاره نمود که به شکل‌های گوناگون حیوانی، انسانی و موجودات ترکیبی ساخته می‌شد. این پیکره‌ها که برخی از آنان کاربردی بوده و در واقع ظروف پیکره‌گون به شمار می‌روند، در ابعاد مختلف (از چند سانتیمتر تا چند ده سانتیمتر^۱) ساخته می‌شدند که از آن میان پیکره‌های انسانی با کارکردها و حالت‌های مختلف بخش قابل توجهی از سفالینه‌ها را تشکیل می‌دهد. علاوه بر نمونه‌های سفالین، پیکره‌های گچی بسیاری در ابعاد متنوع و بعضاً بزرگ به عنوان نقش برجسته‌های بیش‌برجسته از مناطق مختلف از جمله ری به دست آمده که از نظر میزان برجستگی می‌توان آن‌ها را مجسمه‌هایی خطاب کرد که از یک سو به دیوار چسبیده‌اند. این پیکره‌ها که تنها از برخی از آن‌ها در کتب نام برده شده و بیشتر آن‌ها در موزه‌های سراسر جهان جای گرفته‌اند، کمتر مورد مطالعه واقع شده و متأسفانه غیر ایرانیان بیشتر از پژوهشگران داخلی در مورد این آثار هنر ایران قلم زده‌اند.

مقاله حاضر با هدف گونه‌شناسی این پیکره‌های انسانی از منظر کاربرد، موضوع و مواد متشکله، قصد دارد تا ضمن معرفی این پیکره‌ها، دسته‌بندی مشخصی نیز برای شناخت آن ارائه کند. بدین منظور، علاوه بر مطالعه نمونه‌هایی که در بازه زمانی حکومت سلجوقیان خلق شده‌اند، به نمونه‌هایی نیز پرداخته شده است که اگرچه از نظر زمانی در ذیل حکومت خوارزمشاهیان و ایلخانان قرار می‌گیرند، ولی در ادامه سنت هنری سلجوقی بوده و روح پیکره‌سازی سلجوقی در کالبد آنان جاری است. سؤال تحقیق بدین قرار است که پیکره‌های انسانی قرون ۵ تا ۷ ه.ق از نظر کاربرد، موضوع و مواد متشکله به چند گروه قابل تقسیم است و ویژگی‌های هر گروه کدام است؟

ضرورت و اهمیت تحقیق در این است که خلأ اطلاعات در باب هنر پیکره‌سازی در تاریخ میانه دوران اسلامی ایران است که به دلیل عدم پرداختن به مقوله پیکره‌سازی در دوران اسلامی (علی‌الخصوص پیکره انسانی) مغفول مانده است. این پژوهش از آنجا که با دسته‌بندی و معرفی ریشه‌های این پیکره‌ها، به این بخش از هنر اسلامی پرداخته و می‌تواند مقدمه‌ای برای تحقیقات بیشتر آتی در حوزه پیکره‌سازی دوران اسلامی ایران باشد، حائز اهمیت است.

۱. برای مثال ن.ک پیکره سفالین سلطان طغرل سلجوقی با ۴۱/۵ سانتیمتر ارتفاع (جوانی و همکاران، ۱۳۹۷)

2. Heidemann
3. Laperouse
4. Parry
5. Muqarnas
6. Melanie Gibson

روش تحقیق

تحقیق حاضر در زمره تحقیقات کیفی قرار می‌گیرد که با روشی توصیفی-تحلیلی و گردآوری اطلاعات به شیوه میدانی (مشاهده در موزه) و استفاده از منابع کتابخانه‌ای و تارنماهای معتبر به انجام می‌رسد. جامعه آماری تحقیق حاضر متشکل از پیکره‌های انسانی قرون ۵ تا ۷ ه.ق است که متأسفانه عدد دقیق آن مشخص نیست و نمونه‌های مورد مطالعه در این مقاله شامل ۲۵ عدد بوده که به شیوه در دسترس گزینش شده است. در روند نمونه‌گیری، فقط آثاری انتخاب شده‌اند که دارای شناسنامه مشخص بوده و توسط موزه‌های معتبر و یا کتب معتبر علمی معرفی شده و انتساب آن‌ها به دوران حکومت سلجوقیان، خوارزمشاهیان و اوایل حکومت ایلخانان محرز است. قابل ذکر است که نمونه‌های گردآوری شده اولیه ۴۴ عدد بوده که به دلیل محدودیت و عدم امکان ارائه تمامی نمونه‌ها، به ذکر جزئیات ۲۵ نمونه در متن مقاله بسنده شده است.

در روند پاسخ دهی به سؤال مقاله، ابتدا ویژگی‌های عمومی پیکره‌ها شرح داده می‌شود و پس از آن نمونه‌های مشترک از منظر ویژگی‌های کلی در دسته‌های مشخص قرار گرفته و سپس ویژگی‌های جزئی و مشخص هر گروه شرح داده می‌شود. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات مبتنی بر چهارچوب نظری متخذه، کیفی بوده و با بهره‌مندی از منطقی استقرایی و از جزء به کل، اطلاعات به دست آمده از هر پیکره در جدولی گردآمده و نهایتاً از تحلیل جمیع اطلاعات، نتیجه گیری شده است.

پیشینه تحقیق

هیدمن^۱، لپروس^۲ و پری^۳ (۲۰۱۴) در مقاله خود تحت عنوان «مخاطبان بزرگ: پیکره‌های گچی به ابعاد طبیعی از شاهزادگان دربار قرون ۵ تا ۷ ه.ق» که در شماره ۳۱ نشریه مقرنس^۴ به چاپ رسیده است، ضمن مطالعه نمونه‌هایی از پیکره‌های گچی ملون از قرون ۵ تا ۷ ه.ق، آن‌ها را به نمونه‌های یافت شده از سده هفتم و هشتم میلادی از منطقه آلتایی روسیه و قرقیزستان تشبیه کرده و در ادامه با تصویربرداری به واسطه اشعه از یکی از نمونه‌ها به قطعات فلزی دست می‌یابد که در جهت مرمت پیکره در آن کار گذاشته شده است.

سید هاشم حسینی (۱۳۹۱) در مقاله خود تحت عنوان «نقوش موجودات ترکیبی در هنر سفالگری دوران اسلامی» که در شماره ۴ دوره ۱۷ نشریه هنرهای زیبا- هنرهای تجسمی به چاپ رسیده است، به پیکره‌های موجودات ترکیبی در هنر اسلامی پرداخته است ولی مشخصاً بنابر عنوان و موضوع مورد اشاره، در این مقاله به پیکره‌های انسانی اشاره‌ای نشده است.

ملانی گیبسون^۵ یک از محققانی است که مطالعاتی را پیرامون پیکره‌های سفالی تاریخ میانه ایران اسلامی به



تحقیق حاضر نیز گونه‌شناسی پیکره‌های انسانی قرون ۵ تا ۷ ه.ق ایران است، آنچه در دسته‌بندی آثار مورد توجه قرار می‌گیرد بدین قرار است که در ابتدا پیکره‌ها بر مبنای آنچه در نگاه اول به نظر می‌رسد (بازنمایی جنسیت و حالت کلی) به دسته‌های کلی تقسیم خواهند شد و پس از آن از منظر کاربرد، موضوع و مواد متشکله مورد دسته‌بندی جزئی قرار خواهند گرفت. به همین منظور در دسته‌بندی‌های کلی برای سهولت امر، از ویژگی‌های عمومی و ظاهری آن‌ها همچون سوار بر اسب بودن و یا حتی داشتن ریش نیز به‌عنوان صفتی برای خطاب کردن آن‌ها استفاده شده است. این‌گونه دسته‌بندی و انتصاب نام به پیکره‌ها، برگرفته از نمونه‌های معتبری است که برای مثال در توضیح آثار موزه‌های معتبری همچون متروپولیتن^۵، لورور^۶ و ... آمده است.^۷

در دسته‌بندی‌های جزئی نیز معیارهایی مفروض داشته شده است. در مبحث کاربرد، این دسته‌بندی سه‌گانه به‌عنوان انواع کاربردهای پیکره‌ها استفاده شده است: ۱- پیکره مستقل ۲- ظرف پیکره‌گون ۳- پیکره وابسته به معماری. در مبحث موضوع، نگاهی شمال‌نگارانه مدنظر بوده و سعی شده است پیکره‌ها بر مبنای دو معیار مورد دسته‌بندی قرار گیرد: ۱- جایگاه اجتماعی (همچون درباری، جنگجو، خدمتکار) ۲- عملی که در حال انجام آن است (همچون شیر دادن به نوزاد، پخش کردن نوشیدنی). در باب مواد متشکله نیز به نکر سنگ، گچ یا سفال بودن پیکره‌ها بسنده شده است و در برخی موارد به نوع لعاب نیز اشاره شده است. اگرچه مقاله حاضر به دنبال دسته‌بندی نمونه‌ها بر مبنای نوع لعاب نیست.

پیکره‌سازی در قرون ۵ تا ۷ ه.ق در ایران

آنچه از رفتار سلاطین سلجوقی به نظر می‌رسد، حمایت از هنر و صناعت است و گردآوری هنرمندان و صاحبان حرف در دربارها و شهرهای بزرگ همچون مرو، نیشابور، هرات، ری و اصفهان گواه این مدعاست. در این دوران تا قرون هفتم و هشتم هجری / سیزدهم و چهاردهم میلادی شهر کاشان یکی از بزرگترین مراکز تولید سفال به شمار می‌رفت که چندین سفال‌ساز مشهور ایرانی در آن مشغول به فعالیت بودند (دیماند، ۱۳۸۹: ۱۷۱). به اعتقاد گرابار نیز در زمان سلجوقیان کاشان معروف‌ترین مرکز سفال بود و نشانه‌هایی دال بر فعالیت سفالگران اهل کاشان در دیگر شهرها نیز موجود است. او از شهرهای غرب ایران با عنوان مرکز شیوه‌های جدید در سفالگری یاد می‌کند (۱۳۹۰: ۶۰۷). ویلسن از سفال‌هایی به شکل پرنده و شیر یاد می‌کند که در ساوه ساخته می‌شد و پوشیده از لعاب صاف و یکدست به رنگ فیروزه‌ای بود. همین‌طور سفالینه‌هایی به شکل فیل که در ری ساخته می‌شدند و دارای تزئینات زیاد بودند (۱۳۶۶: ۱۴۴). شکل‌گیری این پیکره‌های سفالین حیوانی را می‌توان

انجام رسانیده است و در راستای پژوهش حاضر نیز مکاتباتی با ایشان انجام شد. گیبسون (۲۰۱۲: a) در مقاله‌ای با عنوان «پیکره‌های سرامیکی از میانه جهان اسلام» که در شماره ۳۵ نشریه حدیث‌الدار^۱ چاپ شده است، به معرفی چند نمونه از پیکره‌های انسانی و حیوانی از کاشان ایران و رقه سوریه پرداخته و ویژگی‌های هرکدام را به‌صورت کاملاً اختصاری شرح داده است. این مقاله که برآمده از سخنرانی است، بیش از آنکه مسئله محور باشد، حالتی توصیفی دارد. او مدعی گردآوری و تدوین اطلاعات مربوط به ۴۱۹ عدد از پیکره‌های سفالین است که در مجموعه‌های گوناگون اعم از عمومی و خصوصی نگهداری می‌شود.

گیبسون (۲۰۱۲: b) در مقاله دیگری تحت عنوان «مقرّب نمادین: بازنمایی حاجب بر دیوارها و نقش برجسته‌ها» که در کتاب مجموعه مقالات با عنوان هنر، معماری و فرهنگ مادی اسلامی (رویکردی نوین)^۲ به چاپ رسیده است، به پیکره‌های معروف به حاجب پرداخته و ضمن معرفی نمونه‌هایی از محرابی سنگی در عراق و همچنین پیکره‌هایی گچی از ری، ویژگی‌های هرکدام را تشریح نموده است. مقاله دیگری از گیبسون (۲۰۰۹) تحت عنوان «پیکر مجهول: مجسمه‌های سفالین از ایران و سوریه از ۱۱۵۰ تا ۱۲۵۰ م.» در شماره ۷۳ نشریه انجمن سرامیک شرقی^۳ به چاپ رسیده است که برگرفته از سخنرانی ایشان است. در مقاله مذکور گیبسون با مثال آوردن از ۱۵ نمونه انسانی و حیوانی، به شرح ویژگی‌های این سفالینه‌ها پرداخته است. زهرا موسوی خامنه (۱۳۸۶) نیز در کتابی تحت عنوان «تاریخ هنر ایران در دوره اسلامی: مجسمه سازی (برگرفته از صنایع دستی)» اشاراتی کلی به هنر سلجوقی و پیکرتراشی آن دوران کرده ولی به هیچ‌گونه طبقه‌بندی و جزئیات در آن ذکر نشده است.

آنچه مقاله حاضر را از تحقیقات مذکور متمایز می‌کند، پرداختن به‌صورت متمرکز بر پیکره‌های انسانی در تمامی گونه‌های پیکره‌سازی است. از طرفی در تحقیقات قبلی تأکیدی بر جغرافیا وجود ندارد، ولی مقاله حاضر به نمونه‌های به‌دست‌آمده از جغرافیای ایران می‌پردازد.

مبانی نظری تحقیق

«در زبان فارسی واژه‌گونه یا تیپ را می‌توان به گروه خاصی با یک ویژگی یا علامت مشخص نسبت داد» (معماریان و طبرسا، ۱۳۹۲: ۱۰۴). بنابراین گونه‌شناسی^۴، رویکردی است که به شناخت و دسته‌بندی نمونه‌های مورد مطالعه بر اساس ویژگی‌های مشترک می‌پردازد. این دسته‌بندی می‌تواند دارای فواید و مزایایی برای پژوهشگران باشد که از آن میان می‌توان به قدرت توصیف، کاهش پیچیدگی، شناسایی شباهت‌ها و تفاوت‌ها، ارائه فهرستی جامع از ابعاد موضوع و مطالعه روابط و امکان ارائه مقایسه گونه‌های متفاوت اشاره کرد (لطیفی، ۱۳۹۷: ۳۵). از آنجاکه هدف

1. Hadeeth ad-Dar
2. Islamic Art, Architecture and Material Culture (New perspective)
3. The Oriental Ceramic Society
4. Typology
5. Metropolitan Museum of Art
6. Louvre Museum
۷. برای مثال ن. ک. پیکره با عنوان مرد ریش دار (Metropolitan Museum, n.d.-a)



تصویر ۱. مجسمه سفالی به شکل مرد سوار بر اسب، لعاب یکرنگ، سده ششم ه. ق، محل کشف: ساوه- مرکزی، محل نگهداری: موزه ملی ایران، شماره اثر در موزه: ۳۳۳۴، مأخذ: نگارندگان.

کار برد (۱۳۸۹: ۹۷). تعدادی از نقش برجسته‌های گچی که بازنمایی پیکره‌های تمام قد شاهزادگان و یا ملازمان آنها و روایت‌گر صحنه‌هایی از زندگی درباری هستند، منسوب به شهر ری بوده ولی تردیدهایی نیز در اصل منشأ تعدادی از آنها وجود دارد (اتینگهاوزن و گرابار، ۱۳۸۴: ۴۰۱). بئر با تأکید بر سنت دوگانه ایرانی ترکی در پیکره سازی، نوع چهره‌پردازی در پیکره‌های انسانی قرون ۵ تا ۷ ه.ق را این‌گونه توصیف کرده است: بازنمایی سروصورت مبین دو گونه نژادی است. چشم‌های بادامی، پلک‌های به‌وضوح مشخص شده و بینی‌های صاف و کمی برجسته متأثر از سنت خاور نزدیک است که ریشه‌های آن را می‌توان در مجسمه‌های ساسانی جست. از دیگر سو، چشمان باریک اندکی مورب و دهان کوچک ملهم از آسیای مرکزی است. این ویژگی‌ها که با «ماهرخ» یا «ماهرو» قابل تطبیق است (تعبیری که اغلب بیانگر کمال زیبایی در ادبیات ایران است)، سرچشمه‌های چینی دارد که قبایل ترک آسیای مرکزی حتی قبل از تثبیت امپراتوری اویغور آن را جذب کرده بودند. در باب ویژگی‌های بازنمایی بدن پیکره نیز، چکمه‌های بازنمایی شده را جزئی از اسلوب ترکی آسیای

یکی از ریشه‌های پیکره‌سازی سفالین در قرون ۵ تا ۷ ه.ق. برشمرده که منتج به شکل‌گیری پیکره‌های انسانی شد. علاوه بر ظروف سفالین پیکره‌گون که شکل‌گیری پیکره‌های سفالین را در پی داشت، نقش برجسته‌های گچی بیش‌برجسته در بناها نیز به ساخت پیکره‌های گچی منتهی می‌شود که در واقع پیکره‌های مستقلی هستند که به دیوار متصل شده‌اند. نظریه‌پردازان برای پیکره‌های گچی قرون ۵ تا ۷ ه.ق به ریشه‌های تاریخی شرقی و غربی اشاره نموده‌اند. به اعتقاد بئر^۱ پیکره‌های گچی از ادوار پیش از اسلام در منطقه خاورمیانه معمول بوده و در مکان‌های مختلف اعم از مذهبی و غیرمذهبی قابل مشاهده است و نمونه‌هایی از آن را می‌توان در مناطق غربی ایران (در هنر پارسی و ساسانی) و در مناطق شرقی (در یادمان‌های بودایی آسیای مرکزی) یافت (۱۳۹۴: ۶۵). در مقابل به اعتقاد انور الرفاعی ترکستان را می‌توان منشأ مجسمه‌های دوران سلجوقی در ایران را پنداشت (۱۳۹۰، ص ۷۸). بورکهارت^۲ نیز صرفاً به ریشه‌های ترکانه پیکره‌های دوران سلجوقی اشاره می‌کند معتقد است برخلاف اعراب که در فرآیند فکری‌شان عمیق هستند، ترکان دارای خصلت فراگیری و احاطه بوده و این موضوع در هنر اسلامی به‌واسطه تمایل به ترکیب عیان می‌شود. از منظر او ترک‌ها دارای قریحه تجسمی و مجسمه‌سازی بوده و اعراب فاقد آن هستند (۱۳۸۶: ۱۶۲). ارنست کونل^۳ نیز با تأکید بر ریشه‌های برآمده از آسیای مرکزی اعتقاد دارد اینکه سلجوقیان با میل عجیب به تزئینات تمثیلی زنده در باب طرح‌های تصویری بدعت‌گذار جریانی می‌شوند که با دستورات و قواعد مذهب سنی همخوانی نداشت، احتمالاً معلول نفوذ فرهنگ ترکستان شرقی در میان آنان بود. اتفاقی که ابتدا در پوشش گچی بناها و به صورت نقش‌برجسته‌های عظیم و حجیم در ری و دیگر شهرها در قالب بازنمایی نگهبانان و امیران و خدمه‌شان رخ نمود (۱۳۸۷: ۸۲). از دیگر نمونه‌های شرقی می‌توان به پیکره‌هایی با مضامینی چون هیولای عجیب‌الخلقه‌ای که دو بدن و یک سر دارد اشاره کرد که در بناهای غیرمذهبی آسیای مرکزی در ترمذ بازنمایی شده است و منشأ آن را می‌توان در تصاویر کهن‌تر آسیای مرکزی جستجو کرد (اتینگهاوزن و گرابار، ۱۳۸۴: ۴۰۰). در مقابل در میان نمونه‌های غربی در عراق می‌توان به نقش‌برجسته‌ای بر دیوار کاروانسرای در شهر سنجار اشاره نمود که نشان‌دهنده مرد ریشداری است که ازدهای مارگونه‌ای را می‌خکوب کرده است (همان: ۴۱۱).

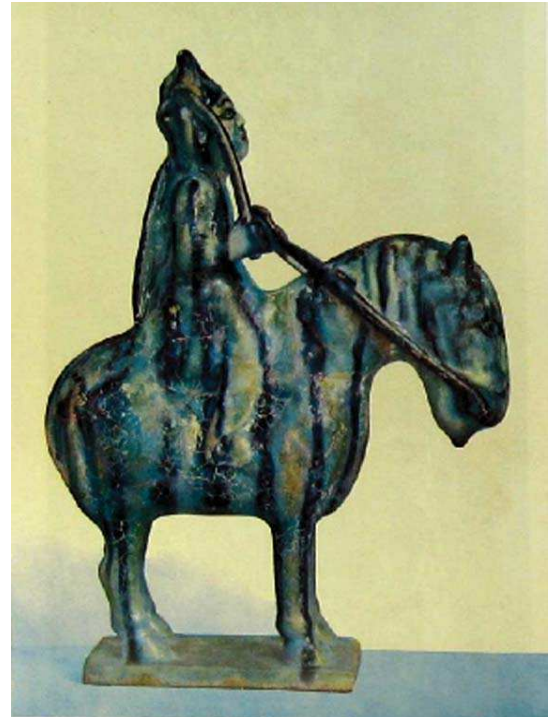
پیکره‌های انسانی قرون ۵ تا ۷ ه.ق ایران

مشخصاً بخشی از پیکره‌های گچی بازمانده از قرون ۵ تا ۷ ه.ق به پیکره‌های انسانی برمی‌گردد. به زعم دیماندر تصاویر انسانی در گچ‌بری‌های این دوره گاهی به حدی برجسته هستند که می‌توان لفظ پیکره‌سازی را در مورد آنها به

1. Eva Baer
2. Titus Burckhardt
3. Ernst Kuhnel



تصویر ۳. تنگ سفالی به شکل شکارچی اسب‌سوار به همراه یوز، سرامیک، ارتفاع: ۲۷/۶ سانتیمتر، محل ساخت: احتمالاً ایران، قرن ششم ه. ق یا اوایل قرن هفتم ه. ق، محل نگهداری: موزه هنر متروپولیتن، مأخذ: Ettinghausen, 1970: 126.



تصویر ۲. پیکره مرد اسب‌سوار، نقاشی شده با رنگ سیاه و لعاب آبی، ارتفاع: ۲۱ سانتیمتر، اوایل سده هفتم ه. ق، محل ساخت: کاشان یا ساوه، ایران، از مجموعه خانم آر. ایس، مأخذ: پوپ و اکرم، ۱۳۸۷: ۷۳۹.

ساخت بسیار شبیه به نمونه‌های ایرانی است. میزان این شباهت به حدی است که می‌توان احتمال تعلق این پیکره به ایران را زیاد دانست و اینگونه استنباط کرد که تحت حمایت یکی از فرمانروایان سلجوقی در ایران ساخته شده و سپس وارد رقه شده است (رایس، ۱۳۸۶: ۱۴۶).

با نگاهی کل‌نگر که هم نمونه‌های سفالین و هم نمونه‌های گچی و سنگی را در بر گیرد، پیکره‌های انسانی قرون ۵ تا ۷ ه. ق را می‌توان به هفت دسته کلی تقسیم نمود که شرح آن در ذیل می‌آید.

۱. پیکره‌های مردان سوار بر اسب

این گروه از پیکره‌های سفالین که در قرون ششم و هفتم هجری قمری در ایران ساخته شده‌اند دارای لعاب آبی یکرنگ (تصویر ۱) و یا نقاشی شده با رنگ سیاه و لعاب آبی هستند (تصویر ۲). این نمونه‌ها که تعدادی از آن‌ها را ظروف پیکره‌گون و تعدادی را پیکره‌های سفالین مستقل تشکیل می‌دهد، نشان‌دهنده مردی جنگاور یا شکارچی هستند که در برخی از آن‌ها یوزی نیز همراه مرد در پشت اسب نشسته است (تصویر ۳). در تمامی نمونه‌ها اسب

مرکزی برمی‌شمرد. از منظر او مجسمه‌های گچی بزرگ ریشه در دو سنت دارد که در نیمه دوم قرن ششم هجری قمری (دوازدهم میلادی) با یکدیگر ادغام شدند. یکی از این دو سنت در ارتباط با ترکان آسیای مرکزی است که از قرون دوم و سوم هجری قمری / هشتم و نهم میلادی به غرب جهان اسلام نفوذ کردند و سنت دیگر نیز ایرانی است (بئر، ۱۳۹۴: ۶۸-۶۶).

فارغ از ظروف سفالین پیکره‌گون و تزئینات پیکره‌گون وابسته به معماری همچون گچ‌بری‌های مذکور، پیکره‌های سفالین مستقل نیز در اواخر دوران سلجوقی ساخته می‌شده است که تعریف آن کاملاً منطبق بر تعریف مجسمه با کارکرد زیباشناسانه صرف است. برای مثال کریستین پرایس از پیکره‌های سفالین مستقلی سخن به میان می‌آورد که دارای لعاب درخشان فیروزه‌ای بودند (پرایس، ۱۳۸۹: ۶۳). پیکره‌هایی نیز در مناطق غربی حکومت سلجوقیان یافت شده است که مشخصاً از اسلوبی سلجوقی بهره گرفته‌اند. برای مثال می‌توان به نمونه‌ای یافت شده در شهر رقه در سده ششم هجری / دوازدهم میلادی اشاره کرد که با نشان‌دهنده‌ی مردی سوار بر اسب است، و از نظر شیوه



تصویر ۶. پیکره پخش کننده کومیس،
سرامیک، ارتفاع: ۹/۲۵ سانتیمتر، بین ۵۴۵ تا
۶۱۷ ه.ق، محل ساخت: کاشان یا رقه، محل
نگهداری: مجموعه الصباح، کویت، مأخذ:
Gibson, 2012-a: 25



تصویر ۵. ظرف سفالین به شکل انسان
با جامی در دست، سرامیک، ارتفاع: ۹/۱۹
سانتیمتر، حدود ۶۱۷ ه.ق، محل ساخت:
کاشان، ایران، محل نگهداری: موزه ویکتوریا
و آلبرت، لندن، مأخذ: Stanley, 2004: 49



تصویر ۴. پیکره موسوم به سلطان طغرل،
سرامیک با نقاشی زیر لعاب، ارتفاع ۵/۴۱
سانتیمتر، قرن ششم ه.ق، محل ساخت:
کاشان، محل نگهداری: مجموعه خلیلی، لندن،
مأخذ: Khalili Collections, 2010

سماع (تصویر ۴) ۳- مرد درباری در مراسم شادخواری
(تصویر ۵) ۴- مرد در حال پخش کردن نوشیدنی (تصویر
۶) ۵- مرد خدمتکار با سینی روی سر (تصویر ۷) ۶- مرد
درباری (تصویر ۸)
بخش اعظم این پیکره‌ها سفال لعابدار بوده و تکنیک
لعاب آن‌ها با یکدیگر متفاوت است. از جمله تکنیک‌های
به‌کاررفته در لعاب آن‌ها می‌توان به نقاشی زیر لعابی
و لعاب زرین‌فام اشاره نمود. در میان این گروه از
پیکره‌ها هم ظروف پیکره‌گون و هم پیکره‌های مستقل
به چشم می‌خورد و در قیاس با گروه‌های دیگر از
ابعاد بزرگ‌تری برخوردار هستند که از آن میان
می‌توان به پیکره سلطان طغرل اشاره نمود که ۴۱/۵
سانتیمتر ارتفاع دارد. همچنین می‌توان به پیکره‌هایی
اشاره نمود که در دسته پیکره‌های وابسته به معماری
قرار می‌گیرند و ماده مورد استفاده در ساخت آن‌ها گچ
است. نمونه‌هایی پیکره‌های سفالین و گچی در موزه
ویکتوریا و آلبرت لندن^۱، مجموعه خلیلی لندن^۲، موزه

فقد حرکت و ایستاده است و سوار درحالی‌که عنان را در
دست گرفته و شمشیری در دست راست دارد (در بعضی
نمونه‌ها) نگاه مستقیم خود را به روبرو دوخته است. در
مواردی همچون تصویر ۳، به همراه داشتن صفحه چرمی
که (محلّی برای قرار گرفتن دستان یوز است) و حضور
یوز بر پشت اسب، ارتباط آن‌ها را با موضوع شکار حتمی
می‌کند (canby et. Al, ۲۰۱۶: ۱۴۰) و در تعدادی از آن‌ها
به همراه داشتن آلات رزمی همچون شمشیر و تیردان
امکان بازنمایی موضوع جنگ و قدرت را قوت می‌بخشد.
ارتفاع این پیکره‌ها چه از نوع کاربردی و چه از نوع مستقل
بیش از ۳۰ سانتیمتر نیست و نمونه‌هایی از آن‌ها در موزه
متروپولیتن امریکا، موزه ملی ایران و مجموعه خانم آر.
الیس^۱ موجود است.

۲. پیکره‌های مردان نشسته

پیکره‌های مردان نشسته را از منظر موضوع می‌توان به ۶
گروه تقسیم نمود: ۱- سلطان در مجلس مظالم یا در مراسم

- 1.R. Ellis
- 2.Victoria and Albert
Museum
3. The Khalili Collections
- 4.Los Angeles County
Museum of Art
5. Princeton University Art



تصویر ۹. پیکره مرد ایستاده، کنده‌کاری و نقاشی روی گچ، ارتفاع: ۸۶ سانتیمتر، محل ساخت: ایران، محل نگهداری: موزه هنر ورسستر، امریکا، مأخذ: Heidemann, et al, 2014, p. 42



تصویر ۸. پیکره مرد نشسته با عصای سلطنتی در دست، کنده‌کاری و نقاشی روی گچ، ارتفاع: ۴۰ سانتیمتر، قرن ششم ه. ق، محل ساخت: احتمالاً ری، محل نگهداری: موزه ویکتوریا و آلبرت، لندن، مأخذ: Gibson, 2012-b: 89



تصویر ۷. پیکره خدمتکار نشسته با سینی روی سر، سرامیک، ارتفاع: ۷/۱۴ سانتیمتر، بین ۵۴۵ تا ۶۱۷ ه. ق، محل ساخت: کاشان یارقه، محل نگهداری: مجموعه خلیلی، لندن، مأخذ: Gibson, 2009: 43

از نظر مواد مورد استفاده و تکنیک ساخت نیز این گروه دارای تنوع زیادی است و می‌توان میان کاربرد و ماده مورد استفاده پیوند معناداری را مشاهده نمود. برای مثال ظروف پیکره‌گون از جنس سفال (تصاویر ۱۰ و ۱۲) پیکره‌های وابسته به معماری از گچ (تصاویر ۹) و پیکره‌های مستقل از گچ (تصویر ۱۱) و سنگ (تصویر ۱۳) شکل گرفته‌اند. تنوع در ابعاد نیز در میان این گروه مشهود است و وجود پیکره‌هایی که کمتر از ۳۰ سانتیمتر ارتفاع دارند در مقابل نمونه‌هایی با ۱۴۰ سانتیمتر ارتفاع، گواه این مدعاست. حالت ایستادن این پیکره‌ها در میان پیکره‌های دوران اسلامی پیشینه دارد و می‌تواند پیکره خلیفه اموی در کاخ خرابه‌المفجر را به ذهن متبادر کند که در قرن اول هجری قمری ساخته شده است. اگرچه به‌طور قاطع نمی‌توان گفت نمونه اموی به‌عنوان الگویی برای ساخت پیکره‌های دوران سلجوقی بوده است، ولی شباهت میان کیفیت تجسم آن‌ها و همچنین ادامه یافتن این الگو در تجسم مردان ایستاده در طول تاریخ هنر دوران اسلامی ایران، جالب توجه و تفکر برانگیز است. از پیکره‌های مردان ایستاده می‌توان نمونه‌هایی در موزه

هنر لس‌آنجلس^۴، موزه دانشگاه پرینستون امریکا^۵ و مجموعه الصباح کویت موجود است.

۳. پیکره‌های مردان ایستاده

پیکره‌های مردان ایستاده که در میان آن‌ها هر سه گونه پیکره (مستقل، وابسته به معماری و ظرف پیکره‌گون) وجود دارد، علیرغم شباهت در ظاهر، از منظر موضوع و شیوه ساخت و مواد مورداستفاده دارای تفاوت و تنوع هستند. تمامی پیکره‌هایی که با این موضوع ساخته شده‌اند، نمایانگر مردی با ردایی فاخر (نظامی یا درباری) بر تن هستند که دست بر قبضه شمشیر یا خنجر داشته و مستقیماً نگاه خود را به روبرو دوخته است (تصویر ۹). این پیکره‌ها از منظر موضوع می‌توانند مردی جنگاور را تجسم ببخشند که احتمالاً سلطان و یا فرمانروایی قدرتمند است و یا ممکن است دارای مقامی پائین‌تر مثلاً نگهبان یا حاجب دربار باشد. از منظر کاربرد در میان پیکره‌های مردان ایستاده، ظروف پیکره‌گون، پیکره‌های مستقل و پیکره‌های وابسته به معماری به چشم می‌خورد و به همین دلیل این گروه را از منظر کاربرد می‌توان متنوع‌ترین گروه پیکره‌های انسانی برشمرد.

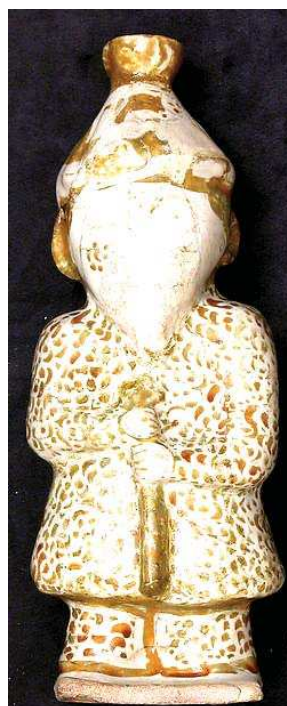
1. Walters Art Museum
2. Anavian Collection
3. Detroit Institute of Arts
4. Museum für Islamische Kunst
5. Worcester Art Museum
6. Apotropaic: قدرت دور کردن نیروی شر و بدشاسی
7. Cincinnati Art Museum



تصویر ۱۲. پیکره سفالی مرد ایستاده،
سرامیک، قرن هفتم ه. ق، محل ساخت:
سلطان آباد، محل نگهداری: مجموعه دکتر
علی پاشا ابراهیم، مأخذ: حسن، ۱۳۷۷



تصویر ۱۱. جنگجوی ایستاده با شمشیر،
کنده‌کاری و رنگ‌آمیزی با رنگ‌های آبی،
قرمز و سیاه روی گچ، ارتفاع: ۴/۶۰ سانتیمتر،
قرن ششم ه. ق، محل ساخت: ایران، محل
نگهداری: موزه هنر والترز، بالتیمور، امریکا،
مأخذ: The Walters Art Museum, n.d.



تصویر ۱۰. ظرف توخالی به شکل مرد با
ریش، سرامیک، ارتفاع: ۲/۲۷ سانتیمتر،
۵۴۵ تا ۵۷۰ ه. ق، محل ساخت: ایران، محل
نگهداری: موزه متروپولیتن، امریکا، مأخذ:
Metropolitan Museum of Art, n.d.-a

۴. پیکره‌های مادر و نوزاد (Art, n.d.-a).

گیبسون معتقد است این ظروف به عنوان نوعی طلسم کاربرد داشته‌اند. چرا که به دلیل پرمخاطره بودن زایمان در دنیای پیشامدرن عمل، زنان برای گریز از این خطر به طلسم روی می‌آوردند و نوشیدن از این ظروف که نمایانگر مادری در حال شیر دادن به نوزاد خود است، برای آن‌ها نویدبخش زایمان راحت و پستان پرشیر بوده است (Gibson, 2012-a: p.24). تمامی پیکره‌های مادر و نوزاد به دست آمده در واقع ظروف پیکره‌گون بوده و به صورت توخالی ساخته شده‌اند و این موضوع فرضیه مطرح شده توسط گیبسون را قوت می‌بخشد. از جمله نکاتی که در این گروه از پیکره‌ها می‌تواند مورد توجه باشد لباس نیمه باز و عیان بودن قسمت‌هایی از بدن عریان مادر است. همچنین در تمامی نمونه‌ها سر نوزاد در طرف چپ بدن مادر قرار دارد.

این نمونه‌های سرامیکی که از نظر تکنیک با یکدیگر متفاوت هستند، در برخی نمونه‌ها دارای لعاب فیروزه‌ای تکرنگ با نقوش تزئینی سیاه و در برخی دیگر لعاب زرین‌فام و آبی لاجوردی است. نمونه‌هایی از این دست پیکره‌ها در موزه هنرهای اسلامی برلین، موزه

هنر والترز^۱ امریکا، موزه متروپولیتن امریکا، گالری عناویان^۲ امریکا، مؤسسه هنر دیترویت^۳ امریکا، موزه ویکتوریا و آلبرت انگلیس، موزه هنرهای اسلامی برلین^۴ آلمان، موزه هنر ورسستر^۵ امریکا، مجموعه الصباح کویت و مجموعه دکتر علی پاشا ابراهیم در مصر را نام برد.

۴. پیکره‌های مادر و نوزاد

این پیکره‌ها که در واقع ظروف پیکره‌گون به شکل زنی هستند که نوزادی را در آغوش دارد، مجموعه‌ای بزرگ از مجسمه‌های سرامیکی هستند که هدف اصلی ساخت آن‌ها مشخص نیست (تصاویر ۱۴ الی ۱۷). بخش پایین پیکره‌ها فاقد لعاب است و احتمالاً دلیل آن جلوگیری از چسبیدن به اشیاء دیگر در کوره است. اگرچه عمدتاً این پیکره‌ها ظاهر نامنظمی دارند، ولی جزئیاتی همچون سرپوش و تزئینات لباس در آن‌ها قابل تشخیص است. نقوش ترسیم شده بر روی گونه‌های صورت مادران متأثر از سنت پیکرنگاری آسیای مرکزی است و احتمالاً مربوط به آیین‌های آپوتروپایی^۱ هستند و یا ممکن است نشان‌دهنده خال‌کوبی‌هایی باشند که به عنوان آرایش صورت توسط زنان انجام می‌شده است (Metropolitan Museum of Art, n.d.-a).

۱. Apotropaic: قدرت دور کردن نیروی شر و بدشانسی
2. Cincinnati Art Museum



تصویر ۱۵. ظرف به شکل زن در حال شیر دادن به نوزاد، سرامیک، ارتفاع: ۲/۲۲ سانتیمتر، قرن ششم یا ه. ق، منسوب به ری، محل نگهداری: موزه متروپولیتن، امریکا، مأخذ: Metropolitan Museum of Art, n.d.-b



تصویر ۱۴. ظرف به شکل زن در حال شیر دادن به نوزاد، سرامیک، ارتفاع: ۳۶ سانتیمتر، قرن ۵ ه. ق، محل ساخت: ایران، محل نگهداری: موزه هنرهای اسلامی برلین، آلمان، مأخذ: حسن، ۱۳۲۰: ۳۹۶



تصویر ۱۳. پیکره مرد ایستاده، کنده کاری روی سنگ، قرن ششم ه. ق، محل ساخت: ایران، محل نگهداری: مجموعه عناویان، نیویورک، مأخذ: www.hali.com, 2014

آن مشخص شده است (تصویر ۲۰). نمونه‌هایی از پیکره نوازندگان در موزه هنر لس‌آنجلس، موزه بریتیش لندن، موزه متروپولیتن امریکا، مجموعه خلیلی لندن و مجموعه الصباح کویت نگهداری می‌شود.

۶. پیکره‌های زنان درباری

این گروه از پیکره‌ها که در زمره ظرف پیکره‌گون و پیکره وابسته به معماری قرار می‌گیرند، نمایانگر زنی درباری است که با لباسی فاخر نشسته و یا ایستاده است. زن بودن این پیکره‌ها با استناد به نوع لباس و سرپوش و بعضاً اشاره به اندام‌های زنانه قابل اثبات است. این زنان عمل مشخصی را انجام نمی‌دهند و در وضعیتی نشسته یا ایستاده نگاه خود را به روبرو دوخته‌اند. ماده استفاده شده در ساخت این پیکره‌ها بستگی به کاربرد آن دارد. ظرف پیکره‌گون مورد مطالعه در این مقاله از سفال با لعاب زرین‌فام شکل‌گرفته (تصویر ۲۱) و نمونه پیکره وابسته به معماری احتمالاً از گچ ساخته شده است (تصویر ۲۲). نمونه‌هایی از این پیکره‌ها در موزه ملی ایران و گالری عناویان امریکا نگهداری می‌شود.

متروپولیتن نیویورک و موزه هنر سینسیناتی^۲ امریکا محفوظ است.

۵. پیکره‌های نوازندگان

این گروه از پیکره‌ها که شامل ظروف پیکره‌گون (تصاویر ۱۸ و ۱۹) و پیکره وابسته به معماری می‌شود، بازنمایی نوازندگان (احتمالاً زن) است که چنگ‌نواز و یا دایره نواز هستند. زن نوازنده هم می‌تواند نمادی از سیاره زهره باشد و هم می‌تواند بازنمایی مطرب دربار باشد. وجود خال کوبی روی صورت برخی نمونه‌ها (تصویر ۱۹) نشان‌دهنده این است که سازنده پیکره متأثر از چهره زنانه است که پیرامون خود مشاهده کرده و پرداختن به این جزئیات است که فرضیه روایی بودن این پیکره‌ها را در مقابل نمادین بودن آن‌ها قوت می‌بخشد. برخی از پیکره‌های این گروه که در زمره ظروف پیکره‌گون قرار می‌گیرند، از منظر مواد و تکنیک ساخت با برخی پیکره‌های مادر و نوزاد یکسان است و از سفال با لعاب آبی و نقوش سیاه شکل‌گرفته است؛ اگرچه از نظر ارتفاع، کمتر از نصف آن ظروف است. همچنین نمونه‌ای دیگر از این گروه در دست است که در زمره پیکره‌های وابسته به معماری قرار می‌گیرد و از جنس گچ ساخته شده و جزئیات چهره و لباس به واسطه رنگ در



تصویر ۱۷. ظرف به شکل زن در حال شیر دادن به نوزاد، سرامیک با نقاشی زیر لعاب، ارتفاع: ۵/۲۰ سانتیمتر، قرن ششم یا هفتم ه. ق، منسوب به ایران، محل نگهداری: موزه متروپولیتن، آمریکا، مأخذ: Ackerman, 1940: p. 369



تصویر ۱۶. ظرف به شکل زن در حال شیر دادن به نوزاد، سرامیک، قرن ششم یا هفتم ه. ق، محل ساخت: کاشان، ایران، محل نگهداری: موزه سینسیناتی، آمریکا، مأخذ: Daderot, 2013

این گروه از پیکره‌های سلجوقی را می‌توان واقع‌گرایانه‌ترین آن‌ها قلمداد کرد.

اغلب این سردیس‌ها از جنس گچ هستند (تصاویر ۲۴ و ۲۵) و با تکنیک شکل‌دهی و کنده‌کاری شکل‌گرفته‌اند. اگرچه در میان سردیس‌ها نمونه‌ای از جنس سفال با لعاب زرین‌فام نیز موجود است (تصویر ۲۳)، ولی به دلیل این‌که مشخص نیست این سردیس مستقل بوده و یا قسمتی از پیکره بزرگ‌تر است، فعلاً باید آن را یک استثنا برشمرد. اگرچه این عدم یقین در باب دیگر سردیس‌ها نیز وجود دارد. به هرروی سردیس‌ها را نمی‌توان متعلق به پیکره‌های به ابعاد حقیقی دانست؛ چراکه ابعاد آن‌ها کمتر از ۲۵ سانتیمتر است و در حقیقت در ابعادی کوچک‌تر از ابعاد حقیقی انسان ساخته شده‌اند.

این سردیس‌ها بازنمایی چهره زنان و مردان هستند و نمونه‌هایی از آن‌ها در موزه والترز آمریکا، موزه متروپولیتن آمریکا و مجموعه دیوید دانمارک نگهداری می‌شود.

۷. سردیس‌های زنان و مردان

سردیس‌های برجای‌مانده از دوران سلجوقی از نوع پیکره مستقل و یا وابسته به معماری هستند. با نگاهی به بازنمایی چهره در این سردیس‌ها، آنچه بیش از هر چیز خودنمایی می‌کند ویژگی‌های ترکانه چهره شامل چشم‌های بادامی، ابروهای پیوسته، بینی کوچک، لب‌های کوچک و صورت دایره است که چهره ماهرو در نگاره‌های دوره سلجوقی را نیز یادآور می‌شود. علاوه بر این‌ها، آنجا که هنرمند سلجوقی گچ را برای ساخت این سردیس‌ها انتخاب کرده است، طبیعت‌گرایانه‌تر از سایر مواد به خلق پیکره پرداخته است و در ایجاد برجستگی‌ها و فرورفتگی‌ها بیش‌ازپیش به واقعیت نزدیک شده است. در پیکره‌های سفالین منوال این‌گونه بود که حجم‌های کلی ساخته می‌شد و جزئیات از طریق نقاشی نمایانده می‌شد. مثلاً فرم کلی چهره ساخته می‌شد و چشم‌ها و ابروان و بینی و لب‌ها از طریق نقاشی نمایانده می‌شد ولی در سردیس‌های گچی تمام جزئیات نیز از طریق حجم‌پردازی نمایش داده شده است به همین دلیل



تصویر ۱۹. ظرف سفالین به شکل نوازنده، سرامیک، اوایل قرن هفتم ه. ق، محل ساخت: ایران، محل نگهداری: موزه بریتیش، لندن، مأخذ: washington.edu, n.d



تصویر ۱۸. پیکره چنگ‌نواز، سرامیک (نقاشی زیر لعاب)، ارتفاع: ۹/۱۱ سانتیمتر، قرن هفتم ه. ق، محل ساخت: کاشان، ایران، محل نگهداری: موزه هنرلس آنجلس، آمریکا، مأخذ: lacma, n.d.-a

بحث و تحلیل

در این بخش پس از دسته‌بندی کلی هفت‌گانه پیکره‌های انسانی قرون ۵ تا ۷ ه. ق، ویژگی‌های جزئی هر گروه که شرح آن قبلاً آمد، در دسته‌های مشخص ذکر شده (جدول ۱) و در برخی موارد برای تأکید بیشتر این ویژگی‌ها، از قیاس میان نمونه‌های گروه‌های متفاوت استفاده شده است. پیکره‌های مردان سوار بر اسب که از دو گونه ظرف پیکره‌گون و پیکره مستقل بوده و همه از جنس سفال لعاب‌دارند، از نظر ساختار کلی (فارغ از کاربرد) بسیار به هم شبیه هستند. آنچه در ظروف پیکره‌گون مشاهده می‌شود، پیکره‌ای درون‌تهی است که قسمتی از آن (که شامل بالای سر سوارکار می‌شود) باز است و قابلیت استفاده به‌عنوان ظرف مایعات را نیز دارد (اگرچه این ظرف کاربردی به نظر نمی‌رسد). به‌جز قسمت باز، تفاوت دیگری میان دو گروه وجود ندارد و این تفاوت اندک است که اجازه می‌دهد ظروف را نیز پیکره خواند.

در میان مردان نشسته، تنوع در کاربرد، موضوع و مواد متشکله شاخص است. کاربرد این پیکره‌ها هر سه نوع پیکره را شامل می‌شود و تنوع موضوع آن‌چنان است که

از پیکره خدمتکار تا سلطان در میان نمونه‌ها قابل مشاهده است. در میان این گروه پیکره‌ای با ۴۱/۵ سانتیمتر ارتفاع وجود دارد (تصویر ۴) که مقوم این احتمال است که پیکره‌ساز از ابتدا به پیکره مستقل اندیشیده و ظرف را به پیکره تبدیل نکرده است.

مردان ایستاده از منظر کاربرد و مواد متشکله متنوع‌ترین و از نظر موضوع یکی از کم‌تنوع‌ترین گروه‌ها محسوب می‌شود. همچنین بلندترین نمونه‌ها نیز که مربوط به پیکره‌های وابسته به معماری و مستقل است در این گروه قرار می‌گیرد.

پیکره‌های مادر و نوزاد که تمامی آن‌ها ظروف پیکره‌گون هستند، از نظر کاربرد، موضوع و مواد متشکله کم‌تنوع‌ترین گروه محسوب می‌شود. تمامی نمونه‌های موجود در این گروه مشربه هستند و بر خورداری از ابعاد بین ۲۰ تا ۲۳ سانتیمتر مؤید این کاربرد است. البته نمونه موجود در موزه هنرهای اسلامی برلین با ۳۶ سانتیمتر ارتفاع از این قاعده مستثنا است.

پیکره‌های نوازندگان که به شکل ظرف پیکره‌گون و پیکره وابسته به معماری از جنس سرامیک و گچ ساخته شده‌اند،

جدول ۱. دسته‌بندی انواع پیکره‌های انسانی در ایران قرون ۵ تا ۷ ه.ق بر مبنای کارکرد، موضوع و مواد متشکله، مأخذ: نگارندگان

انواع پیکره‌ها	کاربردها	موضوعات	مواد متشکله
۱ مردان سوار اسب	* پیکره مستقل * ظرف پیکره‌گون	* مرد شکارچی * مردان نظامی	* سفال لعاب‌دار
۲ مردان نشسته	* پیکره مستقل * ظرف پیکره‌گون	* حضور در مجلس شادخواری * حضور مجلس مظالم یا سماع * مرد خدمتکار * موضوعات نامشخص	* سفال لعاب‌دار * گچ نقاشی شده
۳ مردان ایستاده	* پیکره مستقل * ظرف پیکره‌گون * پیکره وابسته به معماری	* حاجب * سلطان شمشیر در دست * مرد جنگاور	* سفال لعاب‌دار * گچ نقاشی شده * سنگ
۴ مادر و نوزادها	* ظرف پیکره‌گون	* مادر در حال شیر دادن به نوزاد	* سفال لعاب‌دار
۵ نوازندگان	* پیکره وابسته به معماری * ظرف پیکره‌گون	* زن چنگ‌نواز * زن دایره‌نواز	* سفال لعاب‌دار * گچ نقاشی شده
۶ زنان درباری	* ظرف پیکره‌گون * پیکره وابسته به معماری	* زن نشسته با لباس فاخر * زن ایستاده با تاج بر سر	* سفال لعاب‌دار * گچ
۷ سردیس زنان و مردان	* پیکره مستقل	* زن درباری * مرد درباری	* سفال لعاب‌دار * گچ نقاشی شده



تصویر ۲۲. پیکره زن با تاجی بر سر، ارتفاع: ۲۸ سانتیمتر، قرن ششم یا هفتم ه. ق، محل ساخت: ایران، محل نگهداری: مجموعه عناویان، امریکا، مأخذ: anavian gallery n.d.-b



تصویر ۲۱. مجسمه سفالی به شکل زن نشسته، لعاب زرین فام، سده هفتم ه. ق، محل کشف: گرگان، محل نگهداری: موزه ملی ایران، شماره موزه: ۴۴۵۴، مأخذ: نگارنگان



تصویر ۲۰. پیکره زن نوازنده، گچ رنگ شده، ارتفاع: ۱/۱۲ سانتیمتر، قرن ششم ه. ق، محل ساخت: منسوب به ایران، محل نگهداری: موزه متروپولیتن، امریکا، مأخذ: Metropolitan Museum of Art, n.d.-d



تصویر ۲۳. سردیس زن با سرپوش گلدار، سفال لعابدار، ارتفاع: ۱۵ سانتیمتر، قرن ششم ه. ق، محل ساخت: کاشان، ایران، محل نگهداری: موزه والترز، امریکا، مأخذ: art.thewalters, 1960

علیرغم شباهت با شمایل سیاره زهره، بیشتر به روایتی از زنان نوازنده دربار می‌ماند. شاید اگر نمونه‌ای دیگر از شمایل‌های مرتبط با دایرة البروج یافت می‌شد، راحت‌تر می‌شد نمادین بودن این پیکره‌ها را پذیرفت. همچنین در شمایل‌های مرتبط با زهره در کتبی همچون البلهان و المواید، پیکره نوازنده‌ای که گاه زن و گاه مرد است، در حال نواختن سازی زهی تصویر شده است.

پیکره‌های زنان درباری که کم‌تعدادترین نمونه‌های مورد مطالعه در این مقاله هستند، در میان ظروف پیکره‌گون و پیکره‌های وابسته به معماری یافت می‌شوند. در میان نمونه‌ها ظرفی وجود دارد که اگرچه از نظر تاریخ ساخت، به قرن ششم ق برمی‌گردد (تصویر ۲۱) ولی از نظر تکنیک ساخت در ادامه پیکره‌های سلجوقی و دقیقاً در امتداد پیکره‌های نوازندگان و مادر و نوزاد قرار می‌گیرد.

سردیس‌ها مجهول‌ترین گروه از پیکره‌های انسانی قرون ۵ تا ۷ ه. ق به شمار می‌رود. اگر از نمونه سفال با لعاب زرین فام محفوظ در موزه والترز بگذریم، نمونه‌های دیگر گچی بوده و کمی کوچک‌تر از ابعاد طبیعی ساخته شده است. از آنجاکه محل اکتشاف این سردیس‌ها دقیقاً مشخص نیست، پرداختن به اینکه با بخشی از یک پیکره مواجه هستیم یا صرفاً یک سردیس، محلی از اعراب ندارد. نوع حجم‌پردازی این نمونه‌ها به پیکره‌های وابسته به معماری و مستقلی شبیه است که ذکر آن در گروه مردان ایستاده آورده شد.



تصویر ۲۵. سردیس، کنده‌کاری و رنگ‌آمیزی روی گچ، ارتفاع: ۲۲ سانتیمتر، قرن ششم یا هفتم ه.ق، محل ساخت: ایران، محل نگهداری: مجموعه دیوید، دانمارک، قطعه شماره ۳۸، مأخذ: The David Collection, n.d



تصویر ۲۴. سردیس با کلاه نوک تیز، گچ شکل داده و کنده‌کاری شده، ارتفاع: ۶/۲۱ سانتیمتر، قرن ششم یا اوایل قرن هفتم ه.ق، محل ساخت: ایران، محل نگهداری: موزه متروپولیتن، آمریکا، مأخذ: Ettinghausen, 1975: 22

نتیجه

اولین نکته‌ای که از پیکره‌های انسانی قرون ۵ تا ۷ ه.ق ایران به نظر می‌رسد، میل به ساختن پیکره در دوره‌ای بود که به احیای تسنن معروف است. میلی که منحصر به پیکره‌های انسانی نبوده و در نمونه‌های دیگر قرون ۵ تا ۷ ه.ق نیز خودنمایی می‌کند. این تمایل به پیکره‌سازی که در صنایع دستی و معماری رخ نمود، در حیطه‌های نام‌برده محصور نماند و در نهایت به پیکره‌سازی مستقل ختم شد. ریشه‌های این ذوق پیکره‌پردازانه را بیشتر باید در شمال شرق ایران پیگیری نمود. پیکره‌های گچی قرون ۵ تا ۷ ه.ق را می‌توان برآیند همکناری سنت‌های پیکره‌سازی ترکی (ترکستان شرقی) و ایرانی (پارتی و ساسانی) دانست. در پیکره‌های سفالین نیز ریشه‌های شرقی در چهره‌پردازی ترکانه ظروف پیکره‌گون مشهود است. همان‌طور که در پرسش و هدف تحقیق آمد، مقاله حاضر علاوه بر پرداختن به ریشه‌ها در پی ارائه دسته‌بندی مشخصی از پیکره‌های انسانی دوران مذکور بر مبنای ویژگی‌های کلی (جنسیت و حالت کلی) و ویژگی‌های جزئی شامل کاربرد، موضوع و مواد متشکله بود. در همین راستا دسته‌بندی کلی هفت‌گانه‌ای شامل مردان سوار بر اسب، مردان نشسته، مردان ایستاده، مادر و نوزادها، نوازندگان، زنان درباری و سردیس زنان و مردان پیشنهاد شد. -۱ مردان سوار بر اسب که ظرف پیکره‌گون و پیکره مستقل هستند شامل موضوعات شکارچی و نظامی بوده که با سفال لعاب‌دار ساخته شده‌اند. -۲ مردان نشسته نیز ظرف پیکره‌گون و پیکره مستقل هستند که با موضوعات حضور در مراسم مظلالم یا سماع، حضور در مراسم شادخواری، خدمتکار و موضوعات نامشخص به واسطه سفال لعاب‌دار و گچ نقاشی شده تجسم یافته‌اند. -۳ در میان مردان ایستاده از هر سه کاربرد پیکره



وجود دارد که با موضوع حاجب، سلطان و مرد جنگاور با گچ نقاشی شده، سنگ و سفال لعابدار ساخته شده است. ۴- مادر و نوزادها صرفاً ظروف پیکره‌گون هستند که مادری را در حال شیر دادن به نوزاد بازنمایی می‌کنند که بنا به کاربرد با سفال لعابدار ساخته شده است. ۵- نوازندگان (که به احتمال بسیار زیاد زن باشند) پیکره‌های وابسته به معماری و ظروف پیکره‌گونی هستند که بازنمایی زنان چنگ‌نواز یا دایره‌نوازی هستند که از سفال لعابدار و گچ نقاشی شده ساخته شده‌اند. ۶- زنان درباری نیز همچون نوازندگان پیکره‌های وابسته به معماری و ظروف پیکره‌گونی هستند که زنی نشسته یا ایستاده را با لباسی فاخر نمایش می‌دهد که با گچ یا سفال لعابدار ساخته شده است. ۷- سردیس‌ها را می‌توان تنها گروهی خطاب کرده که تماماً پیکره مستقل هستند و چهره زنان و مردان درباری را به واسطه سفال لعابدار و گچ نقاشی شده تجسم می‌بخشد.

منابع و مآخذ

- اتینگهاوزن، ریچارد و گرابار، الگ. ۱۳۸۴. هنر و معماری اسلامی (۱). ترجمه یعقوب آژند. تهران: انتشارات سمت.
- الرفاعی، انور. ۱۳۹۰. تاریخ هنر در سرزمین‌های اسلامی. ترجمه عبدالرحیم قنوات. مشهد: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- بورکهارت، تیتوس. ۱۳۸۶. مبانی هنر اسلامی. ترجمه امیر نصری. تهران: انتشارات حقیقت.
- بئر، ایوا. ۱۳۹۴. پیکر انسان در هنر اسلامی؛ میراث گذشته و تحولات پس از اسلام. ترجمه بهنام صدری. تهران: مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری «متن».
- پرایس، کریستین. ۱۳۸۹. تاریخ هنر اسلامی. ترجمه مسعود رجب‌نیا. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- پوپ، آرتور آپم و اکرم، فیلیس. ۱۳۸۷. سیری در هنر ایران، از دوران پیش از تاریخ تا امروز. ویرایش سیروس پرهام. جلد نهم. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- جوانی، اصغر؛ بلخاری، حسن؛ اسدی، مهیار. ۱۳۹۷. آیکونوگرافی پیکره سفالین سلطان طغرل سلجوقی. نشریه هنرهای زیبا- هنرهای تجسمی. ۲۳(۳). ۹۳-۱۰۲.
- حسن، زکی محمد. ۱۳۶۶. صنایع ایران بعد از اسلام. ترجمه محمدعلی خلیلی. تهران: کتابفروشی و چاپخانه اقبال.
- حسن، زکی محمد. ۱۳۷۷. هنر ایران. ترجمه محمدابراهیم اقلیدی. تهران: صدای معاصر.
- دیماند، موریس اسون. ۱۳۸۹. راهنمای صنایع اسلامی. ترجمه عبدالله فریار. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- رایس، دیوید تالبوت. ۱۳۸۶. هنر اسلامی. ترجمه ماه ملک بهار. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- کونل، ارنست. ۱۳۸۷. هنر اسلامی. ترجمه هوشنگ طاهری. تهران: انتشارات توس.
- گرابر، الگ. ۱۳۹۰. هنرهای تجسمی، ۴۴۲-۷۵۱ ق. / ۱۰۵۰-۱۳۵۰ م. در تاریخ ایران کمبریج: از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلخانان. ترجمه حسن انوشه. ویرایش دهم. جلد پنجم. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- لطیفی، میثم. ۱۳۹۷. روش‌شناسی گونه‌شناسی: رهنمونی بر نظریه‌پردازی در دانش مدیریت. نشریه مطالعات مدیریت دولتی ایران. ۱(۲). ۲۵-۵۲.
- معماریان، غلامحسین و طبرسا، محمدعلی. ۱۳۹۲. گونه و گونه‌شناسی معماری. نشریه علمی-پژوهشی

انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران. (۶). ۱۰۳-۱۱۴.
ویلسن، کریستی. ۱۳۶۶. تاریخ صنایع ایران. ترجمه عبدالله فریار. تهران: انتشارات فرهنگسرا.

Ackerman, Ph. 1940. The Iranian Institute, New York. In Guide to the Exhibition of Persian Art. 2nd. ed. New York: The Iranian Institute.

anavian gallery. n.d.-b. Seljuk Stucco Figure of a Woman. Retrieved June 06, 2020, from <http://www.anaviangallery.com/servlet/q.QDisplayItemDetail?in=5332>.

art.thewalters. 1960. Female Head with Floral Headdress. Retrieved January 14, 2020, from <http://art.thewalters.org/detail/37990/fritware-female-head-with-floral-head-covering/>.

Canby, S. R.; Beyazit, D; Rugiadi, M; & Peacock, A. C. S. 2016. Court and Cosmos: The Great Age of the Seljuqs. New York: Metropolitan Museum of Art.

Daderot. 2013. Female figure, Iran, Kashan. Retrieved July 27, 2020, from https://commons.wikimedia.org/wiki/File:Female_figure,_Iran,_Kashan,_late_12th_or_early_13th_century_AD,_earthenware_with_painting_in_black_under_turquoise_glaze_-_Cincinnati_Art_Museum_-_DSC03997.JPG.

Ettinghausen, R. 1970. The Flowering of Seljuq Art. Metropolitan Museum Journal (Vol. 3). pp. 113- 131.

Ettinghausen, R. 1975. "Islamic Art" Metropolitan Museum of Art Bulletin (Vol. 3). New York: The Metropolitan Museum of Art.

Gibson, M. 2009. The Enigmatic Figure: Ceramic Sculpture from Iran and Sirya c. 1150- 1250. Transactions of the Oriental Ceramic society. (73). 39- 50.

Gibson, M. 2012-a. Ceramic Sculpture from the Medieval Islamic World. Hadeeth ad-Dar, (35), 24-28.

Gibson, M. 2012-b. A Symbolic Khasakiyya: Representations of The Palace Guard in Murals and Stucco Sculpture. In Islamic Art, Architecture and Material Culture, New Perspectives, Oxford: Archaeopress.

Heidemann, S. et. al. 2014. The Large Audience: Life-Sized Stucco Figures of Royal Princes From The Seljuq Period. Muqarnas. (31). 35- 71.

Khalili Collections. 2010. Retrieved June 25, 2020, from <http://www.khalili.org/collections/category/1#object/POT-1310>.

lacma. n.d.-a. Figure of a Musician with a Harp. Retrieved July 27, 2020, from <https://collections.lacma.org/node/239970>.

Metropolitan Museum of Art. n.d.-a. Hollow Vessel in the Shape of a Bearded man. Retrieved June 25, 2020, from <http://www.metmuseum.org/art/collection/search/452027>.

Metropolitan Museum of Art. n.d.-b. Hollow Vessel in the Shape of Woman Holding a Child. Retrieved June 25, 2020, from <http://www.metmuseum.org/art/collection/search/452028>.



Stanley, Tim. 2004. Palace and mosque: Islamic art from the Middle East. London: V & A Publications.

The David Collection. n.d. Head, carved stucco. Retrieved February 01, 2020, from <https://www.davidmus.dk/en/collections/islamic/materials/stone-and-stucco>.

The Walters Art Museum. n.d. Standing Warrior Holding a Sword. Retrieved February 02, 2020, from <http://art.thewalters.org/detail/13647/standing-warrior-holding-a-sword/>.

washington.edu. n.d. Vase in the form of a musician. Retrieved June 06, 2020, from <http://depts.washington.edu/silkroad/museums/bm/bmpremongolceramic.html>.

www.hali.com. 2014. Seljuk Stone Carved Figure of a Man. Retrieved October 10, 2020, from <http://www.hali.com/news/asian-art-at-bohemian-national-hall-new-york>.

Origins and Types of Human Sculptures from 5th to 7th cen. AH of Iran*

Mahyar Asadi, Assistant Professor, School of Visual Arts, College of Fine Arts, University of Tehran, Iran.

Asghar Javani (Corresponding Author), Associate Professor, Faculty of Visual Arts, Art University of Isfahan, Iran.

Hasan Bolkhari, Professor, School of Visual Arts, College of Fine Arts, University of Tehran, Iran.

Received: 2021/09/11 Accepted: 2022/01/22



Coronation of Toghrul Bek in Neyshabur in 429 AH and consolidation of the Seljuks in Iran, led to transformations and developments in arts which are well known as one of the highlights of the art of Iran. Among the pottery works of the Seljuk era, we can mention human figures with different functions and states. In addition to pottery, many gypsum sculptures in various and sometimes large dimensions have been obtained as high-reliefs from various regions, including Ray, which can be called sculptures that are attached to the wall on one side. These figures, only some of which have been mentioned in books and most of which have been placed in museums around the world, have been less studied and unfortunately non-Iranians have written more about these works of Iranian art than Iranian scholars. The present article, with the aim of typology of these human sculptures, intends to introduce these sculptures and to provide a specific classification for their recognition. The **research question** is that the human sculptures of the Seljuk era can be divided into several groups in terms of use, subject and materials, and what are the characteristics of each group? This article is among the qualitative **researches** which is done by descriptive-analytical **method** and gathering information in a field method and using the resources of valid libraries and websites. The statistical population of the present study consists of human sculptures of the Seljuk era, the exact number of which is unfortunately not known, and the samples studied in this article include 25 numbers that have been selected by available means. In the sampling process, only works have been selected that have a specific identity information and have been introduced by museums or scientific books, and their attribution to the Seljuk, Khwarezmian and early Ilkhanate dynasty is evident. It is noteworthy that the initial collected samples were 44, which due to the limitation and impossibility of providing all the samples, it is sufficient to mention the details of 25 samples in the text of the article. As result of the research, it should be said that the first point that appears from the human figures of the Seljuk era was the desire to build the statue in the period known as the revival of the Sunnis; a desire that is not limited to human figures and also shows itself in other examples of the Seljuk era. This tendency towards sculpture, which occurred in the handicrafts and architecture, was not confined to the above-mentioned areas, and eventually led to independent sculpture. As stated in the **question** and purpose of the research, the present article sought to

* The paper is extracted from the PhD thesis of the first author, titled "Theoretical bases of Art of Figuration in Seljuk-era Iran (with an Emphasis on Approach of Reigning Religion and Government)" which was conducted under supervision of Dr. Yaghoob Azhand and Dr. Hasan Bolkhari and advisory of Dr. Asghar Javani.

provide a clear classification of human sculptures of the Seljuk era based on general characteristics (gender and general position) and specific characteristics including usage, subject and materials. In this regard, seven groups of general classification were proposed, including men on horseback, men sitting, men standing, mothers and babies, musicians, court women, and women and men. Standing men, which are in the form of statues, include hunting and military subjects made of glazed pottery. Sitting men are also independent figures, sculpted with the themes of attending «Mazalem» or «Sama», attending a ceremony of rejoicing, a servant, and unspecified subjects with glazed pottery and painted stucco. Among the standing men, there are sculptures of all three uses, painted stucco, stone and glazed pottery with the theme of the guard, the sultan and the warrior man. Mother and babies are merely sculptural vessels representing a mother breastfeeding, made of glazed pottery for use. The musicians (most likely women) are architectural sculptures and sculptural vessels as representations of women playing the harpsichord or «Dayereh» made of glazed pottery and painted stucco. Court women, like musicians, are architectural figures and sculptural vessels that depict a woman sitting or standing in a luxurious gown made of stucco or glazed pottery. The busts can be called the only group that are completely independent and embody the faces of court men and women through glazed pottery and painted stucco. The Eastern (Eastern Turkestan) and Iranian (Parthian and Sasanian) roots are evident in the type of making plaster figures and the painting of ceramic vessels.

Keywords: Human Figures, Seljuk Arts, Seljuk Figures, Pottery Figures, Stone Figures, Stucco Figures

References: Ackerman, Ph. 1940. The Iranian Institute, New York. In Guide to the Exhibition of Persian Art. 2nd. ed. New York: The Iranian Institute.

Alrafaee, A. 2013. Story of Art in Islaimc Countries. Translated by A. Ghanavat. Mashhad: Jahad Daneshgahi.

anavian gallery. n.d.-b. Seljuk Stucco Figure of a Woman. Retrieved June 06, 2020, from <http://www.anaviangallery.com/servlet/q.QDisplayItemDetail?in=5332>.

art.thewalters. 1960. Female Head with Floral Headdress. Retrieved January 14, 2020, from <http://art.thewalters.org/detail/37990/fritware-female-head-with-floral-head-covering/>.

Baer, E. 2015. The human figure in Islamic art: inheritances and Islamic transformations. Translated by B. Sadri. Tehran: Matn.

Burckhardt, T. 2007. Fundamentals of Islamic Art. Translated by A. Nasri. Tehran: Haghghat.

Canby, S. R.; Beyazit, D; Rugiadi, M; & Peacock, A. C. S. 2016. Court and Cosmos: The Great Age of the Seljuqs. New York: Metropolitan Museum of Art.

Daderot. 2013. Female figure, Iran, Kashan. Retrieved July 27, 2020, from https://commons.wikimedia.org/wiki/File:Female_figure,_Iran,_Kashan,_late_12th_or_early_13th_century_AD,_earthenware_with_painting_in_black_under_turquoise_glaze_-_Cincinnati_Art_Museum_-_DSC03997.JPG.

Dimand, M.S. 2010. A handbook of muhammadan art. Translated by A. Faryar. Tehran: Elmi & Farhangi.

Ettinghausen, R. & Grabar, O. 2005. The Art & Architecture of Islam: 650 – 1250. Translated by Y. Ajand. Tehran: samt.

Ettinghausen, R. 1970. The Flowering of Seljuq Art. Metropolitan Museum Journal (Vol. 3), pp. 113-131.

Ettinghausen, R. 1975. "Islamic Art" Metropolitan Museum of Art Bulletin (Vol. 3). New York: The Metropolitan Museum of Art.

Gibson, M. 2009. The Enigmatic Figure: Ceramic Sculpture from Iran and Sirya c. 1150- 1250. Transactions of the Oriental Ceramic society. (73). 39- 50.



- Gibson, M. 2012-a. Ceramic Sculpture from the Medieval Islamic World. *Hadeeth ad-Dar*, (35), 24–28.
- Gibson, M. 2012-b. A Symbolic Khassakiyya: Representations of The Palace Guard in Murals and Stucco Sculpture. In *Islamic Art, Architecture and Material Culture, New Perspectives*, Oxford: Archaeopress.
- Grabar, O. 2013. Visual Arts 1050-1350. In *The Cambridge History of Iran*. Translated by H. Anousheh. Ed. 10. Vol. 5. Tehran: Amir Kabir.
- Hasan, Z. M. 1987. *Art of Iran after Islam*. Translated by M. A. Khalili. Tehran: Eghbal.
- Hasan, Z. M. 1998. *Art of Iran*. Translated by M. E. Eghlidi. Tehran: Sedaye Moaser.
- Heidemann, S. et. al. 2014. The Large Audience: Life-Sized Stucco Figures of Royal Princes From The Seljuq Period. *Muqarnas*. (31). 35- 71.
- Javani, A.; BolKhari, H.; Asadi, M. 2018. Iconography of Sultan Toghrul Pottery Statue. *Visual Arts*. 23(3). 93-102.
- Khalili Collections. 2010. Retrieved June 25, 2020, from <http://www.khalili.org/collections/category/1#object/POT-1310>.
- Kuhnel, E. 2010. *Islamic Art*. Translated by H. Taheri. Tehran: Toos.
- lacma. n.d.-a. Figure of a Musician with a Harp. Retrieved July 27, 2020, from <https://collections.lacma.org/node/239970>.
- Metropolitan Museum of Art. n.d.-a. Hollow Vessel in the Shape of a Bearded man. Retrieved June 25, 2020, from <http://www.metmuseum.org/art/collection/search/452027>.
- Metropolitan Museum of Art. n.d.-b. Hollow Vessel in the Shape of Woman Holding a Child. Retrieved June 25, 2020, from <http://www.metmuseum.org/art/collection/search/452028>.
- Pope, A. U. & Ackerman, P. 2008. *A survey of Persian art, from prehistoric times to the present*. Translated by S. Parham. Ed. 3. Vol. 9. Tehran: Elmi & Farhangi.
- Price, C. 2010. *The Story of Moslem Art*. Translated by M. Rajabnia. Tehran: Amir Kabir.
- Rice, D. T. 2009. *Islamic Art*. Translated by M. M. Bahar. Tehran: Elmi & Farhangi.
- Stanley, Tim. 2004. *Palace and mosque: Islamic art from the Middle East*. London: V & A Publications.
- The David Collection. n.d. Head, carved stucco. Retrieved February 01, 2020, from <https://www.davidmus.dk/en/collections/islamic/materials/stone-and-stucco>.
- The Walters Art Museum. n.d. Standing Warrior Holding a Sword. Retrieved February 02, 2020, from <http://art.thewalters.org/detail/13647/standing-warrior-holding-a-sword/>.
- washington.edu. n.d. Vase in the form of a musician. Retrieved June 06, 2020, from <http://depts.washington.edu/silkroad/museums/bm/bmpremongolceramic.html>.
- Wilson, J. C. 1987. *History of Iranian Art*. Translated by A. Faryar. Tehran: Farhangsara.
- www.hali.com. 2014. Seljuk Stone Carved Figure of a Man. Retrieved October 10, 2020, from <http://www.hali.com/news/asian-art-at-bohemian-national-hall-new-york>.